

## شبکه سه در ماه رمضان سال ۸۳ سریال «خانه به دوش»

با روی آفتاب داشت که جزو کارهای طنز پر بیننده تلویزیون محسوب می‌شود؛ مجموعه‌ای که در دل خود پیام‌های اخلاقی بسیاری را به مخاطب به‌صورت زیرپوستی منتقل می‌کرد. اکنون این سریال از شبکه ۱ فیلم بخش می‌شود، نکته قابل‌تأمل این است که این سریال همچنان با وجود گذشت نزدیک به دو دهه برای مخاطبان تماشایی است. این سریال خانه به دوش روایتگر زندگی آقا ماشاء... است که فرد فقیر و تنگدستی بوده که برای ایجاد یک زندگی بهتر برای خانواده‌اش در دام کلاهبرداری باجناس افتاد و در این میان، همسر و فرزندان بودند که در کنار هم زندگی را با هر سختی، همسر و فرزندان می‌کردند.

یکی از ویژگی‌های متمایز قصه این سریال تاکید زیادی است که بر نقش پدر دارد. در این سریال می‌بینیم که پدر خانواده می‌خواهد زندگی بهتری را برای همسر و فرزندان رقم بزند. از سوزی دیگر در این میان مادر نیز دوشادوش همسر در تلاش است که مشکلات خانه را رفع کند. معمولاً در آثار نمایش نقش پدران کم‌رنگ است و خیلی کم‌تر به آنها پرداخته نمی‌شود اما سریال خانه به دوش کاملاً بر اینچنین کشید پدر برای خانواده را در زیبایی روایت می‌کند، حتی تصویرگر سستی‌های پدر هم در این مسیر می‌تواند تصویر درستی را پدرا ارائه دهد.



ممکن است برخی با این موضوع موافق نباشند اما کارگردان سریال تصمیم گرفت تا به گونه‌ای به زندگی اقشار مختلف جامعه بپردازد که قصه برای مخاطبان کاملاً قابل‌باز و رومس باشد تا مخاطبان شخصیت‌های قصه را همچون خودشان ببینند و دور از ذهن‌شان نباشد. در مجموع نمایش‌های ماجرای خانواده‌های ساده‌ها و تقابل‌های شان منجر به خلق موقعیت‌های بانمک شد که مخاطبان با نمایش‌های هر قسمت از این سریال می‌خندند.

گروه سرباز به مشکلات اقتصادی می‌پردازد اما از آنجا که گروه سازنده علاقه‌مند بود از زبان طنز برای پرداخت به مسائل اقتصادی استفاده کند، به همین دلیل لحنات تلخ بین ما جراحه برای مخاطبان شیرین است و مخاطبان پیگیر هستند تا قسمت‌های دیگر سرباز را هم به تماشا بنشینند. در واقع نویسنده و کارگردان از دارماکت‌ترین روش برای پرداخت به موضوع و غصه‌های زندگی جراحه بهره‌برداری می‌کنند. این توان به خودی خود برای گروه سربازهای طنز دیدنی و سرشمرک که تجربه‌های بسیاری را از مخاطبان منتقل می‌کند، ضمن این‌که جزو آثار موفق طنز خانوادگی است.

یکی دیگر از نقاط قوت سریال هم بازی روان بازیگران است که می‌توان گفت جزو امتیازات سریال محسوب می‌شود. همچنین مخاطبان با نمایش این سریال ابعاد دیگری از بازی مریم امیرجلالی و حمید لولایی را شاهد بودند، حتی دعواهای خانوادگی هم در این سریال نه تنها منجر به صحنه‌های تلخ نشده بود، بلکه سریال را کم‌تدری کرده بود؛ به‌ویژه وقتی نتایج (ناید امیرجلالی) سر موضوعات مختلف خانواده را فرزندانش بحث می‌کنند. در مجموع باید گفت که سریال خانه به دوش هنوز هم بعد از گذشت این همه سال در میان مخاطبان جایگاه خوبی دارد.

موسمِ رزنی

کرد. وی تصریح کرد: همواره در قاب رسانه ملی به موضوعات مختلف از جمله موضوعاتی که مادر مردم دوست داشتنی به آن پرداخته‌اند، توجه شده است اما بدون شک یکی از ویژگی‌های اصلی این برنامه زمان پخش آن بود. اغلب مخاطبان شاید انتظار داشتند پیش از افطار با برنامه‌هایی که تمی غم‌انگیز دارند یا کاملاً معارفی هستند روبه‌رو باشند اما امسال با برنامه‌ای روبه‌رو بودند که تمی امیدآفرین داشت.

## نگاه

## خرده فرهنگ های بومی ایران در دوران پسا استعماری امروز

ایران از جمله کشورها با فرهنگ قدیمی و گونه‌گست است که به دلیل موقعیت جغرافیایی و تنوع اقلیمی، به طور خاص شامل تنوع بالایی از اقوام مختلف می‌شود که هر کدام زبان و گویش، آداب و رسوم، پوشاک و خوراک خاص خود را دارند. از این جهت، ایران جز معدود کشورهای است که چنین ظرفیت فرهنگی را دارد؛ ظرفیتی که علاوه بر جنبه‌های مثبت ملی، می‌تواند عاملی باشد در روابط خارجی، صادرات، گردشگری و...

از سوی دیگر و در نگاهی کلی، مسیری که جهان در سال‌های اخیر پیموده به سمتی رفته‌اند که مارشال مک‌لوهان تعبیر کرده به یک دهکده جهانی تبدیل شود، به نحوی که روز مرزهای فرهنگی به وسیله رسانه‌های جمعی و ارتباطات سریع، کمتر و کمتر شده و نهایتاً از بین برد. این نزدیکی در دنیای مدرن محاسنی که دارد، اما معایبی است، از جمله تأثیر استعمارگونه محتوای غالب در رسانه‌های عمومی که بر فرهنگ‌های خردتر یا ضعیف‌تر (از لحاظ قوت رسانه و پیشرفت فناوری و وارد می‌شود. جهانی شدن هم تهدید است هم فرصت؛ فرصت برای عرضه فرهنگ‌های قوی و تهدید برای فرهنگ‌های ضعیف، در برخورد و تقابل فرهنگ‌ها و به یکدیگر توجه به تأثیرپذیری آنها از اهمیتی شایان توجه برخوردار است. فرهنگ‌ها ناگزیر از اخذ مفاهیم و موضوعاتی از سایر فرهنگ‌ها هستند، اما مهم این است که این اخذ یکطرفه و در عین احساس حقارت و خودپندگانی و تشابه به فرهنگ دهنده است و یا این که این اخذ همراه با دهنده‌گی و فرهنگ‌داری و در عین احساس هویت و عزت و در جهت پویایی و تنضیف است.

آنچه در عمل مشهود است این که فرهنگ‌های خردت که بر مجموعه یک کل فرهنگی بزرگ‌تر هستند، مانند تنوع قومی در ایران، در مسیر جهانی شدن دچار گونه‌ای انزوا یا اضحلال می‌شوند و اندک‌اندک قوت خود را از دست می‌دهند و آن گونه که می‌شاید خودنمایی و بروز نمی‌کنند. حالا پرسش اینجاست که این منزوی شدن فرهنگ‌های بومی، به خصوص در ایران، چقدر تحت تأثیر رسانه‌هاست؟ و آیا از طریق رسانه‌های تصویری (تولیزوین، سینما، تبلیغات شهری و...) می‌توان راه نجاتی برای آن یافت یا حداقل آن را به شیوه‌ای در جهان معرفی کرد؟

شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد ارتباطات تصویری از قدیمی‌ترین نوع ارتباطات در بین مردم بوده است. پیشرفت‌ها در ارتباطات تصویری زمینه را برای درک بهتر مفاهیم فراهم کرده‌اند. در گرافیک با ارتباطات تصویری در سطح جهانی می‌توان به پیوستگی‌های بی‌نهایت نام‌های رسانه‌ها که مملکت با درک مفاهیم پایهای استفاده می‌شود. امروزه هر چند افراد از ارتباط تصویری در رسانه‌های گوناگون بهره می‌برند اما در واقع تأثیر اصلی از جانب قدرت‌های اول رسانه‌ای بر دیگر سطوح جامعه جهانی وارد می‌شود. غلبه و سیطره قدرت‌های تبلیغاتی و رسانه‌های بزرگ جهانی چنانست که انگار هر چه بیشتر محدوده فرهنگ‌ها وضعیت ارتباطات را تنگ می‌کند تا جایی که شاید به انزوا و فراموشی کشیده شوند. اگر بخواهیم از این انزوا و خرد شدن فرهنگ‌های بومی جلوگیری کنیم، شاید بتوان در جهت معکوس وضعیت حاضر اقدام کرد، یعنی تبلیغ، معرفی و بازتاب‌سازندن فرهنگ‌های کوچک از طریق رسانه. اما همان قدر که تضعیف این فرهنگ‌ها از جانب دیگران به قدرت و هزینه نیاز دارد، تبلیغ و معرفی آن نیز صرف کار و هزینه بسیار را طلب می‌کند. درواقع باید به نحوی در مقابل قدرت‌های رسانه‌ای امروز و تأثیرات استعماری آنان قدم علم و مقابله به‌مثل کنیم، در این مسیر قطعاً خود فرهنگ و اقدامات فرهنگی را به مراتب آسان‌تر می‌کند؛ یعنی آنچه‌که استعرا می‌کنیم صرفاً از طریق تبلیغات و پرکردن چشم مخاطب نباشد.

## نگاهی به سریال «نون خ» از منظر ارتباط تصویری

# از سرگرمی تا هویت بخشی

در سال‌های اخیر در تولیدات سینما و تلویزیون توجه بیشتری به مسائل قومیت‌ها، فرهنگ بومی مناطق و فرهنگ عامیانه شده است. از فیلم‌هایی همچون *شعله‌ور* و *شب* که ماه کامل شد در سینما گرفته تا *سریال‌های تلویزیونی مانند پایتخت* و *نوروز رنگی*. در این میان *سریال تلویزیونی «نون خ»* که تاکنون چهار فصل از آن تولید و پخش شده، توانسته جایگاه خوبی را در میان مردم به دست آورده و لحظات شادی را خلق کند. این سریال علاوه بر ماهیت صمیمانه عامه و قابل‌دریجه‌ای برای دیدن، نزدیک شدن [به] و شاید لمس کردن فرهنگ و مردمان کرد است. در سال‌های اخیر در تولیدات سینما و تلویزیون توجه به فرهنگ بومی مناطق و فرهنگ عامیانه شده است. از فیلم‌هایی همچون *شعله‌ور* و *شب* که ماه کامل شد، در سینما گرفته تا *سریال‌های تلویزیونی نوروز رنگی*، در این میان *سریال تلویزیونی «نون خ»* که تاکنون چهار فصل از آن تولید و پخش شده، توانسته جایگاه خوبی را در میان مردم به دست آورده و لحظات شادی را خلق کند. این سریال علاوه بر ماهیت صمیمانه عامه و قابل‌دریجه‌ای برای دیدن، نزدیک شدن به فرهنگ و مردمان کرد است.

همه ضعف‌هایی که یک روستا دارد، مثل جاده و برخی امکانات رفاهی عمومی، در این فضاست که پوشش محلی و لباس‌های اغلب رنگارنگ اهالی معنای واقعی و حس درست خود را ایجاد کرده و منتقل می‌کند. همه این خصوصیات در سریال *نور* به دست به دست‌به‌داده تأثیر می‌دهد. بربا و صمیمانه شکل بگیرد؛ انوری به یاد او حتم که روایت دردمش را می‌برد و می‌تحریف برای مخاطبش سریال می‌سازد. تأثیر صمیمانه به نحوی است که نهایتاً منجر به آن می‌شود تا مخاطب سریال نه بیننده که به فرد از افراد حاضر در آن مکان تبدیل می‌شود و ناخودآگاه خود را جزئی از آن بیند. در مجموع چهار فصل، *نور* خنثی‌تر است به واسطه دیگر به تمیسی، لحظاتی شاد و به یاد ماندنی فرهنگ و هم آسویی دیگر به تفاسیری که گذشت، فضای زندگی کردها و فرهنگ کردی را تا حد قابل قبولی به نمایش بگذارد و به نحوی معرفی آن باشد.



نوخ جلوه‌هایی از فرهنگ و آداب و رسوم کردی، ترسیم شده‌است. پوشش، گویش و موسیقی کردی، در تمام لحظات این سریال دیده و شنیده می‌شود؛ اتفاقی که یک اقدام راهبردی در جهت تحکیم وحدت و همبستگی ملی در کشور محسوب می‌شود. هر قدر مردم کشورمان نسبت به زیبایی‌های اقوام این سرزمین آگاهی پیدا کنند، به‌طور مستقیم موجب همدلی و پیوند مردم با یکدیگر می‌شود. همچنین نسل جدید در استان‌های کردنشین، از طریق این سریال می‌توانند با اقلیم و فرهنگ قومی خودشان بیش از پیش آشنا شوند. از طرفی، وقتی رسانه‌ای ملی همچون صداوسیما سراغ اقوام می‌رود و زیبایی‌ها و رنج‌های آنان را به نمایش می‌دهد، به نوعی تریبون برای بازتابی و بازتابی و بازتابی‌ها می‌شود. خودپند خود موجب دفع بایزای رسانه‌های مسموم و تفرقه‌افکن می‌شود. سریال نوخ خ هر چند به‌طور کل اثری است طنز که اغلب طعنه به مسائل اجتماعی (بومی و ملی) می‌زند، توان‌مان و به این دلیل که در فضای کردستان و بآن تم وابسته شد تا حدی نمایانده ساختارها، مناسبات، روابط و مسواریات از قیل لاس، زبان و لهجه، ادبیات عام و موسیقی، مردمان کرد، است.

به سخن دیگر، این سریال (مانند موارد مشابه دیگر) اثری است که در حد توان، فرهنگ جذاب و شیرین مردمان کرد را هر روزه در نگاه و ذهن مخاطبان خود بازمی‌نماید و از این طریق آن مسائل بومی و هویتی را به طریقی یادآوری می‌کند.

تیتراژ ابتدایی سریال، شامل یک موسیقی محلی کردی شد  
ه‌راه با تصویریری کلاژ شده از مناظر طبیعی، محل زندگی  
و خانه‌های مردم و زندگی روزمره آنهاست. تیتراژی که خود  
شاید مستندی کوتاه از کلیت فرهنگی مردمان گُرداست.  
از آنجا که مخاطب سریال همه ایرانیان هستند، برای  
درک بی‌زحمت دیالوگ‌ها نه از زبان بلکه از لهجه کردی  
استفاده شده‌است. یعنی در این سریال، اقرا بومی کرد با  
زبان فارسی صحبت می‌کنند اما با لهجه کردی و گاهی هم  
به‌دتر از کلمات با اصطلاحات کردی استفاده می‌شود تا  
کمی بیشتر به فضای واقع نزدیک‌تر شود.

رسانه تصویری و به خصوص سیمای ملی، فضایی بسیار مناسب برای این گونه توجیه به ارزش های ملی، فرهنگی و هویتی است. این رسانه به دلیل دایره عام بودن، دسمت بودن و سهولت الوصول بودن بیش از هر رسانه دیگری می تواند تبلیغ کننده یک محتوا باشد و چه خوب است اگر آن محتوا معرفی باشد در جهت بازماندند و شناساندن مطلبی مفید در عین لذتبخش بودن. در میان محتواهای پرکارنده و اغلب زیان آور امروز، مسأله

**مهم «هویت» است.** در زمانی که هر روز ارزش های واقعی کمتر می شود و بی ارزشی ها جلوه گری می کنند، بسیاری اهمیت دارد از طریق کی می توان، فرهنگ سازی کرد و قدمی در جهت بازسازی برای می برداشت، سرگروه های جمعی منبع اولیه ای برای معانی مفاهیم و تفسیر بسیاری از موضوعات مرتبط با هویت می هستند. به عبارت دیگر رسانه ها می توانند درک های معین و ملموح هویت را طریق کنترل حدود مباحث تزروانه، چالش های چارچوب های تفسیری، سانسور نگارش اخبار، متخالف، استفاده از تصاویر و خوشای ها کنش های، انکار دسترسی و فرصت به گروه های به حاشیه رانده شده و ساخت و تولید خوانشی های گزینشی از واقعیت تسهیل کنند. با این اعمال، رسانه ها چرخه درک جامع را محکوم می کنند. این عمل، نشانه نتیجه تلاش تعدیل و آگاهانه نباشد، بلکه صرفا نتیجه عادی و روزمره رسانه واقعیت باشد.

**قومت‌نگاری نه قومیت‌گرایی**

متأسفانه آنچه اغلب رقیبا در سینمای کردها و مناطق کردنشین به تصویر کشیده شده است، تصاویر و روایت‌هایی آلوده به قومیت‌گرایی و «نوع» از جمله آثاری است که به جای قومیت‌گرایی، به قومیت‌نگاری نزدیک شده است؛ یعنی با کنار زدن اطوارهای شبه روشنفکرانه و ازگونگی رایج در سینما در مواجهه با کردها، به متن فرهنگ و زندگی روزمره این مردم رفته است. این سیال به زیبایی و سببش سازندگی، بورساز از دروغ‌های در فیلم‌های جشنواره‌ای و قبیله‌گرایی‌ها بهره می‌گیرد. در سینما و تلویزیون به گونه‌ای که در رسانه‌های ابطل یک دروغ الزاما نباید سراغ آن رفت، بلکه گاهی کار است تا راستی و درستی را نشان داد و این‌گونه دروغ را رسوا کرد. همچنین در سریال

## رویداد

## جشنواره نمایش عروسی تلویزیونی در ایستگاه پایانی

اولین دوره جشنواره نمایش عروسکی تلویزیونی در حالی به اختتامیه می‌رسد که ۲۰ گروه نمایشی در شبکه کودک با هم به رقابت پرداختند. اختتامیه اولین دوره جشنواره نمایش عروسکی تلویزیونی چهارشنبه (۱۶ اردیبهشت) از ساعت ۱۷:۳۰ فکری کودکان و نوجوانان برگزار می‌شود. یکی تلویزیونی با حضور ۲۰ گروه شرکت‌کننده از «خانه» برگزار شد. این برنامه تلویزیونی از ۲۸ زبان‌گروه‌های مختلف نمایش عروسکی از سراسر ایران نمایش پرداختند. در این مراسم به سه گروه معاطیان برنامه عروسک خونه انتخاب شده‌اند، فست سریال عروسکی در تلویزیون اهدا می‌شود. تلویزیونی تلویزیونی با حضور بیش‌کسوتان از عروسکی در این مراسم به صورت زنده از کانال‌های arosakhoone پخش خواهد شد.



## چہرہ

## ستاره‌های حوزه دینی چیزی کم ندارند

رسالت بودی، مجری برنامه «محفل» در گفت‌وگویی درباره بحث پرنده‌سازی در حوزه دینی صداسویمیا صحبت کرد و در پاسخ به این که چرا طی این سال‌ها به ندرت توانستیم چیزی را به عنوان ستاره در برنامه‌ها می‌ببینیم، او گفت: همان اندازه که طی این سال‌ها در حوزه دینی، فرهنگ دینی و معارفی به پرنده‌سازی در حوزه دینی (دینی) ستاره شده‌اند. البته شاید افزاینشگاهان دودست باشند اما هستند و چیزی ندارند. درعین حال تاحدی این نگاه را قبول دارم اما در حوزه دینی و معارفی ستاره‌سازی کنیم، عریان مان چیزی بیشتر از تایید کارشناس برنامه استفاده کنیم اما بپارها باید کرد که عدم یقینی مجریان مان چندان بار داشته‌های این ادعای عریان مان دیگر نباید سابق به مجریان نیست.



## جزیره اسرار آمیز

**مریم فتح**، سروان «هاردینگ» و خدمتگارش «نب» که برده‌ای سیاه‌پوست بود، «بک» ملوان و پسر خوانده‌اش «هربرت» و روزنامه‌نگاری به نام «جیدی آن» در خلال جنگ‌های داخلی آمریکا (۱۸۶۵ تا ۱۸۷۷ میلادی) در شهر ریچموند ایالت ویرجینیای آمریکا فرار کرده و به ۶۰۰ مایل به سمت کوفتی مسکین‌بر در فرافقیانوس آرام پیش می‌روند. در آخرین لحظات متناهی شدن آن در جزیره‌ای ناشناخته فرود می‌آیند. پیش از رسیدن به خشکی، مهندس اسیت به دریا سقوط می‌کند اما به طرز مشکوکی نجات داده می‌شود. در جزیره حوادث غیرمنتظره‌ای برای آنها اتفاق می‌افتد. مثلاً ملاقات با «تام» جزیره‌نشین، به یکباره ناپدید شدن دزدان دریایی، پیدا کردن جبهه دارو و صندوقی پر از ترازنجاری، شنیدن مدیایی شبیه برادرش شریک اکتیو و... جمله این‌ها را می‌بینیم. «آن» روزنامه‌نگار بعد از یادداشت‌برداری از این غافلگیری‌ها، هنوز در گوش‌مان است. «خواننده‌های اصلا باور نمی‌کنند»! این «نیم‌نشدن بلند داستانی براساس رمان «جزیره اسرارآمیز» نویسنده فرانسوی «ژول ورن» توپید شده است.

